

تحلیلی بر نماز خواندن رئیس جمهور در مسجد اموی دمشق و زمینه‌های تاریخی آن

پیروزی بزرگ مقاومت در جنگ جهانی سوریه

رئیس جمهوری بود که در مسجد اموی نماز خواند. این در حالی است که رؤسای جمهور مختلف آغاز بحران سوریه به همراه سایر بازرگانان منطقه‌ای به دنبال نماز خواندن در مسجد اموی بودند؛ نماز در مسجد اموی یعنی پیروزی در نبرد. از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۱۸ بازرگانان منطقه‌ای وعده نماز در مسجد اموی را می‌دادند، اما محقق نشد. حال جنگ جهانی در سوریه، ایران، سوریه و متحدان به پیروزی رسیدند و حال، رئیس‌جمهور ایران، اولین

تورریسم شدند و اکنون همه کشورها به دنبال بهبود روابط با دولت بشار اسد هستند.

سوریه؛ عقبه استراتژیک مقاومت

روابط ایران و سوریه، تاریخی به درازی انقلاب اسلامی دارد و روابط دو کشور، همواره راهبردی و استراتژیک بوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل محور مقاومت طی چند دهه، سوریه به عنوان پل ارتباطی و یکی از ستون‌های قفرتار محور مقاومت معرفی شد. روی کار آمدن بشار اسد و سقوط دولت صدام



با گذشت

پیش از ۱۲

سال، این رئیس‌جمهور ایران بود که در مسجد اموی نماز اقامه کرد. انتشار تصاویر نماز در مسجد اموی این پیام را در پی داشت که جمهوری اسلامی ایران، حامی اصلی جبهه مقاومت بوده و «مقاومت» فاتح نبرد ۱۲ ساله علیه تروریسم بوده است

سید حسن نصرالله در مورد عقبه استراتژیک سوریه در جنگ ۳۳ روزه می‌گوید: «در جریان جنگ، انتقال سلاح از سوریه به لبنان متوقف نشد، زیرا مشخص نبود که جنگ چه مدت طول می‌کشد، بنابراین اگر به سلاح و مهمات بیشتری دست می‌یافتیم، بهتر بود. اگر چه اسرائیل همه راه‌ها را ببمباران می‌کرد، اما راه انتقال سلاح‌ها همواره مناسب بود و به علت اینکه خاک سوریه در معرض حمله نبود، نظامیان سوری شهید نشدند. در خصوص شهید ژنرال محمد سلیمان، معتقدم که اسرائیلی‌ها او را به دلیل نقشش در قبل و جریان جنگ کشته‌اند. «بشار اسد» رئیس‌جمهور سوریه، او را مأمور کرده بود که پرونده انتقال سلاح را پیگیری کند و او هم نقشی ممتاز و مثبت ایفا کرد. اسرائیل بعداز جنگ درصدد ترور شهید حاج عماد مغنیه و شهید محمد سلیمان بود.»

او در ادامه خاطرنشان کرد که برخی رسانه‌های عربی مدعی تسویه حساب‌های داخلی شدند و این

حزب‌الله و نتایج تحقیقات میدانی حاکی بود که اسرائیل پشت سر این ترورها قرار داشته است. سید حسن نصرالله در ادامه درمورد ورود سوریه به جنگ ۳۳ روزه به روزنامه الاخبار می‌گوید: «احتمال کشیده شدن دامنه جنگ به سوریه وجود داشت زیرا اسرائیل، سوریه را به دلیل دادن بخشی از سلاح‌های مورد نیاز که در روند جنگ تأثیرگذار بود، از عوامل پایداری مقاومت می‌دانست. زمانی که از عملیات نظامی زمینی به سوی حاصبیا، راشیا و بقاع غربی و مرکزی سخن به میان آمد، دلیل احتمال قوی‌تر شد و به همین دلیل در هفته دو جنگ، ژنرال «آصف شوکت» که در جریان جنگ با ما در تماس بود، پیامی برای من فرستاد و خواستار نظرم در زمینه بررسی صورت‌گرفته در دمشق در خصوص احتمال شروع یک عملیات گسترده

خطوط ثابت، تلفن همراه، اینترنت پرسرعت و تلویزیون را در دست گرفت. لازم بود که است که این شرکت و توابع آن، نقش عمده‌ای در جاسوسی مخابراتی، اختلال و شنود خطوط ارتباطی ایران را نیز برعهده دارند. ابعاد همکاری‌های تجاری جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی بشدت ربه تریاید حرکت می‌کند و اخیراً بود که وزیر اقتصاد آذربایجان اعلام کرد، «حجم مبادلات تجاری آذربایجان و اسرائیل در سال ۲۰۲۱ تقریباً دو برابر و در ژانویه تا فوریه سال گذشته ۶ برابر شده. طبق آمارهای رسمی، درحال حاضر بیش از ۹۰ شرکت اسرائیلی در بخش‌های نظامی، امنیتی، خدمات، تجارت، کشاورزی و ساخت‌وساز در آذربایجان فعالیت می‌کنند. مهم‌تر از همه اینکه اسرائیل ۴۰ درصد نفت خام مورد نیازش را تنها از آذربایجان وارد می‌کند. از نظر مهربان تل آویو و برحسب دکترین اتحاد پیرامونی، بهترآن است که بخش عمده‌ای از نیاز به انرژی خود را از کشورهای خارج از غرب آسیا تأمین کند و برای این کار آذربایجان را انتخاب کرده‌اند. این نفت از طریق خط لوله‌ی باکو به بندر جیحان ترکیه در ساحل دریای مدیترانه و از آنجا به اسرائیل منتقل می‌شود و در مقابل، آذربایجان بخشی بزرگی از نیاز تسلیحاتی خود را از اسرائیل تأمین می‌کند. بخشی از تغییر رویکرد آتشکار مقامات باکو علیه تهران را برحسب همین روابط تجاری با صهیونیست‌ها باید ملاحظه کرد.

باکو؛ میدان جهانی

«تل آویو علیه تهران» اما فراتر از مناسبات اقتصادی باید به اهداف امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی می‌تواند از محقق شود. وضعیت موجود در قاره‌باغ و رفت و برگشت‌های دیپلماتیک، حساسات ضدملی در داخل کشور راه زمینی ایران با ارمنستان و اروپا دارد؛ امری که از یک‌سوی محدود شدن ژئوپلیتیک ایران را در پی می‌کند، از سوی دیگر، با توجه به عملیات روسیه، اسرائیل قادر به فعال شدن گسل‌های قومیتی و ناامن کردن شمال غرب ایران و برانگیختن احساسات ضدملی در داخل کشور منجر شود. وجه دیگر توسعه‌طلبی ارتکارا را باید در پروژه‌های سدسازی و فرار از مسئولیت اقلیمی این کشور ملاحظه کرد؛ تهران این تغییر نقشه ژئوپلیتیکی منطقه

شد: «در حقوق بین‌الملل، حمله به سفارت‌ها منزله اعلام جنگ است و اسرائیل آماده است تجربه خود در انجام «عملیات ضدترور» را در اختیار باکو قرار دهد!

گفته شد که رژیم صهیونیستی به چند دلیل کلان نسبت به قفقاز جنوبی و به‌طور خاص، به آذربایجان طمع دارد و یکی از اصلی‌ترین آنها مهار ایران است. ابزارهایی که در این منطقه به خصوص با همکاری دولت باکو برای تحقق این هدف در دست دارد، پایگاه‌های نظامی و اطلاعاتی و انحصار رسانه‌ای است. پایگاه‌های نظامی محل‌هایی برای پرواز جنگنده‌ها و پهپادهای جاسوسی صهیونیست بر فراز آسمان ایران هستند که عملیات آنها متوقف بر سایر صورت‌های جاسوسی ازمجمله شنود مخابراتی و جاسوسی اقلیمی است. اشکال خرابکاری رژیم صهیونیستی در شمال غرب ایران، با یک ابزار دیگر تکمیل می‌شود و آن عملیات روانی رسانه‌های محلی است که آن هم تحت نفوذ و سیطره لابی‌یهود در آذربایجان قرار دارد. یکی از کارویرهای این رسانه‌ها این است که احساسات آسوبانلیستی شهروندان آذری‌زبان ایرانی را به سمت شورش علیه جمهوری اسلامی و تجزیه‌طلبی تحریک و هدایت کنند. محافل تن‌ت‌ک در آذربایجان در جنگ قره‌باغ بودند که تهران را به حمایت از ارمنه منتم کردند و از مقامات خود خواستند موضعی عملی علیه ایران اتخاذ کنند!

شعله‌ور ماندن آتش بحران قره‌باغ، اصلی‌ترین مستمسک و محملی است که این هدف مشترک ناتو، رژیم صهیونیستی و برخی دیگر از کشورهای می‌تواند از مجرای آن محقق شود. وضعیت موجود در قاره‌باغ و رفت و برگشت‌های دیپلماتیک، حساسات ضدملی در داخل کشور منجر شود. وجه دیگر توسعه‌طلبی ارتکارا را باید در پروژه‌های سدسازی و فرار از مسئولیت اقلیمی این کشور ملاحظه کرد؛ تهران این تغییر نقشه ژئوپلیتیکی منطقه

البنه محور مقاومت در این زمینه هزینه‌های انسانی و مادی قابل توجهی را متحمل شد، اما سرانجام این تلاش‌ها نتیجه داد و از سال ۲۰۱۵ با گذشت ۴ سال از بحران سوریه، صحنه نبرد شفاف شد؛ ایران و همپیمانانش توانستند دمشق را حفظ کنند و شهرها را یکی پس از دیگری پس بگیرند و سوریه بر پیش از ۴۵ درصد خاک خود تسلط پیدا کند. تروریست‌ها در ادلب و کرد‌ها در سوریه چاره‌ای جز پذیرش حاکمیت دولت سوریه ندارند و دیر یا زود پرچم سوریه در آن مناطق نیز برافراشته خواهد شد.

فرب‌الاجل‌هایی که هیچ‌گاه

فرا نرسید

«من و اعضای حزب عدالت و توسعه» به دمشق سفر خواهیم کرد تا با برادران‌مان (معارضین) ملاقات کنیم و سوریه فاتحه را بر سر قبرصلاح‌الدین ابویی قرائت کنیم سپس وارد صحن‌های مسجد بزرگ امویان دمشق خواهیم شد و مقبره صحابه پیامبر یعنی بلال حبشی و ابن عربی را زیارت و از دانشکده سلیمانیه و ایستگاه حجاز دیدار خواهیم کرد. در آن زمان در کنار برادران سوری، خداوند را شکر خواهیم کرد». این جملات را رئیس‌جمهور ترکیه در شهروبر ماه سال ۱۳۹۱ شمسی در گفت‌وگو با خبرگزاری دولتی آنتالیای طی پیامی صادر کرد. پس از آن وی و سایر سران منطقه، عرب‌الاجل‌های چند هفته‌ای، سه ماهه و غیره را برای نماز در مسجد اموی اعلام کردند؛ فرب‌الاجل‌هایی که البته هیچ‌گاه محقق نشد و اکنون، با گذشت بیش از ۱۲ سال، این رئیس‌جمهور ایران بود که در مسجد اموی نماز اقامه کرد. انتشار تصاویر نماز در مسجد اموی این پیام را در پی داشت که جمهوری اسلامی ایران، حامی اصلی جبهه مقاومت بوده و «مقاومت» فاتح نبرد ۱۲ ساله علیه تروریسم بوده است.

۲۰۱۵ میلادی گروه‌سیاست

نماز رئیس‌جمهور ایران در مسجد اموی دمشق، یک پیام مهم خطاب به تمام بازرگانان منطقه‌ای و بین‌المللی داشت؛ پس از ۱۲ سال جنگ جهانی در سوریه، ایران، سوریه و متحدان به پیروزی رسیدند و حال، رئیس‌جمهور ایران، اولین



نگاهی به زمینه‌ها و اهداف نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه قفقاز جنوبی

ردپای صهیونیسم در آذربایجان

گزارش تحلیلی گروه‌سیاست

«جمهوری آذربایجان کلید محدود کردن نفوذ ایران در خاورمیانه بزرگ است»؛ این جمله شیمون پسرز رئیس دولت اسبق رژیم صهیونیستی است که صریحاً بر اهمیت حیاتی منطقه قفقاز جنوبی و آذربایجان دلالت دارد. به‌طور کلی، نفوذ صهیونیست‌ها در مناطق پیرامونی ایران مانند آسیای مرکزی، قفقاز و اقلیم کردستان، مسأله‌ای است که باید آن را یک تهدید چندوجهی و حیاتی تلقی کرد.

وجود این تهدید شامل مخاطرات نظامی، امنیتی، اقتصادی و سیاسی می‌شود که مقتضی بررسی دقیق و پیگیری عملی است؛ چراکه به لحاظ زمانی و مکانی، این تهدیدات در حال گسترش هستند و خطرات متعددی را متوجه کشور کرده و می‌کنند. پس از ضربه سپاه به یکی از پایگاه‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی در اربیل عراق،

مشخص شد که حاکمیت نیروهای مسلح متوجه این تهدید بوده و از سوی دیگر، سران و تصمیم‌گیران رژیم نامشروع نیز پیام این اقدام ایران را دریافت کرده‌اند؛ اما مسأله این است که گستره، عمق و تعدد این تهدیدات بسیار بیش از این است که با یک حمله پهپادی یا موشکی، متوقف و خنثی شود؛ حقیقت این است که مرزهای ایران برای اسرائیل اهمیت راهبردی دارند و این اهمیت، دلایلی گفتمانی و سیاسی دارند که در این نوشتار به برخی از وجوه اهمیت آن پرداخته می‌شود.

پس از فروپاشی شوروی کمونیستی،

منطقه قفقاز جنوبی به سه کشور جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان تقسیم شد و همین تجزیه، زمینه‌ساز نفوذ قدرت‌های بازرگانی مانند روسیه و ایران و تا حدی ترکیه در این منطقه امری قابل درک می‌نماید؛ اما حضور رژیم صهیونیستی در قفقاز و به‌طور خاص آذربایجان - که از همان ابتدای فروپاشی شوروی صورت گرفت - قابل پذیرش نبوده و نیست؛ چراکه نه تنها به لحاظ

طبق آمارهای رسمی، درحال حاضر بیش از ۹۰ شرکت اسرائیلی در بخش‌های نظامی، امنیتی، خدمات، تجارت، کشاورزی و ساخت‌وساز در آذربایجان فعالیت می‌کنند.

مهم‌تر از همه اینکه اسرائیل ۴۰ درصد نفت خام مورد نیازش را تنها از آذربایجان وارد می‌کند. از نظر مهربان تل آویو و برحسب دکترین اتحاد پیرامونی، بهترآن است که بخش عمده‌ای از نیاز به انرژی خود را از کشورهای خارج از غرب آسیا تأمین کند و برای این کار آذربایجان را انتخاب کرده‌اند. این نفت از طریق خط لوله‌ی باکو به بندر جیحان ترکیه در ساحل دریای مدیترانه و از آنجا به اسرائیل منتقل می‌شود و در مقابل، آذربایجان بخشی بزرگی از نیاز تسلیحاتی خود را از اسرائیل تأمین می‌کند. بخشی از تغییر رویکرد آتشکار مقامات باکو علیه تهران را برحسب همین روابط تجاری با صهیونیست‌ها باید ملاحظه کرد.

دکترین نفوذ! دکترین «اتحاد پیرامونی» ین

دکورین و صورت‌های جدید آن مانند «دکترین نوپیرامونی»، گفت‌مان راهبردی صهیونیست‌ها در روابط بین‌الملل است که مانند سایر کلان‌نظریه‌هایشان منبعث از الهیات صهیونیستی بوده و در حال حاضر نیز قابلیت‌های عملیاتی خود را حفظ کرده است. برحسب این دکترین دولت صهیونیستی برای حفظ موازنه قدرت در منطقه و خنثی‌سازی مبارزه ملل مسلمان و آنچه «خطر اعراب» خوانده شده

از جمله کنترل آب رودخانه‌های دجله و فرات از یک‌سو و ارس از سوی دیگری می‌دانند که از خاک ترکیه سرچشمه می‌گیرد و حدود ۱۵۵۰ کیلومتر طول دارد و مرزهای جغرافیایی ترکیه، ایران و آذربایجان را دربرمی‌گیرد.

روس‌ها کجای معادله قرار دارند؟

پیوستگی و تلازم جبهه اوکراین و قفقاز، یکی از موضوعات قابل بررسی دیگر است که بایسته است. در فرصتی مستقل پیگیری شود. اجماًلاً مراد از این مفروض این است که ناتو و غرب به رهبری ایالات متحده، سعی دارند جبهه جنگی جدیدی پیرامون روسیه ایجاد کنند تا تمرکز نظامی و امنیتی روسیه از بین برود. یکی از زمینه‌های مستعد بازتولید جنگ نظامی حول روسیه، مناقشات ارمنستان و آذربایجان است. رسانه‌ها و محافل سیاسی در جمهوری آذربایجان به مرور زمان فعالیت خود علیه نیروهای صلح‌بان روس را از طریق اتهاماتی همچون حمایت از ارمنستان و ایجاد گروه‌های «واکنش ارمنی» مشابه واکترهای اوکراین تشدید کرده‌اند. رسمنی باکو و نزدیک به الهام علی‌اف) به نقل از ناطق جعفرلی، معاون حزب «رنال» مدعی شد: «چون ۱۰ هزار ارمنی محلی مسلح در خان‌کندی امکان پذیر نیست، بنابراین معلوم است که کرملین خود خواستند موضعی عملی علیه ایران اتخاذ کنند!

شعله‌ور ماندن آتش بحران قره‌باغ، اصلی‌ترین مستمسک و محملی است که این هدف مشترک ناتو، رژیم صهیونیستی و برخی دیگر از کشورهای می‌تواند از مجرای آن محقق شود. وضعیت موجود در قاره‌باغ و رفت و برگشت‌های دیپلماتیک، حساسات ضدملی در داخل کشور منجر شود. وجه دیگر توسعه‌طلبی ارتکارا را باید در پروژه‌های سدسازی و فرار از مسئولیت اقلیمی این کشور ملاحظه کرد؛ تهران این تغییر نقشه ژئوپلیتیکی منطقه

۶

برابر

حجم مبادلات تجاری آذربایجان و اسرائیل در سال ۲۰۲۱ تقریباً دو برابر و در ژانویه تا فوریه سال گذشته ۶ برابر شد

+
+